

» مركز بار اشخاص بشود : «

» ۶ - اشخاص مضروب و معروح را بادست و پا بروی زمین گشیدن «
» و آنها را با کمان و حشیکری کتک زدن : «

» ۷ - اشخاص معروح و برهنه را درروی مونه های خار انداختن «
» با آنها را نوی آب نمک گذاشتن : «

» ۸ - اسب تاختن بروی اجساد گشتگان و بدن معروحین باوان «

» ۹ - سوزن و خار در بدن اشخاص برهنه فرو بردن حتی اعصاب «
» در موقعی که آنها در اثر حرمانات وارده بیهوش بروی زمین «
» افتاده اند «

» ۱۰ - اشخاص معروح و مضروب را مورد کتک قرار دادن و «
» آنها معاملاتی کردن که دانش لرزه بر اندام در ذیبحی میباشد «

» کذب این معاملات و این طرز رفتار مدعی اسمعیت و وحشیگری «
» آمده است که نظیر آن در تاریخ حیات هیچیک از مال و جماعات «
» دیده نمیشود : آری امروز هندوستان بی حقیقت حکمداری دولت بریطانیا «
» رده و همین آگاهی اساس آن حکمدار برادر متراول میکند «

» موقی که متروحه روی از طرف این حاکم انگلیسی در هندوستان
حوان منتشر شد دولت بر علیه آن اعراض نکرد و توانست آنرا تکذیب
کند ، فقط اداره روزنامه را ملزم نمود که اگر در آینده چنین مقالاتی
درج نماید ۱۸۰۰۰ دلار جریمه سنوات پردازد . اداره روزنامه این
این التزام را قبول نکرد دولت نیز خود روزنامه را توقیف و اتایه اداره
را تاراج نمود

تنها اطلاعاتی که ما از حقایق و کیفیت امور داریم همین است زیرا
مامورین سانسور باقی حوادث و حقایق را در زیر پرده های ضخیم احتیاط
و مستور نموده و از بهایان کتمان کرده اند . تنها ذات بی مثال خداوند آگاه
است که در پس این پرده سیاه و ضخیم که سانسور در جلو ما و هندوستان
آویزان کرده است در آن سرزمین جریان امور چگونه است ؟ بیروبردباری
و تحمل شدت و فشار تا چه اندازه میباشد ؟ تیر باران کردن و بمبارده-ان
شدن بچه نهر جریان دارد ؟ طیاره جنگی و اتومبیل زره پوش چه بروز

مردم میاورد ، در مقابل قدرت سر بیزه و آدم گشی اینهمه خود داری ،
ایشان نفس ، فداکاری و مقاومت هندیان که در تاریخ حیات بشر بینظیر میباشد
بچه درجه است . ؟



در همین حالیکه حروفیچین متفول چیدن این سطور است کنفرانس
میز مدور در هندوستان تشکیل می یابد . تمام احزاب انگلستان افراد مقتدر
و متنفذ خود را بسمت نمایندگی در این کنفرانس گسیل میدارند ، ولی
اعضای هندی این کنفرانس بهیچوجه نماینده جامعه هندوستان نبوده و مورد
تحقیر و تفر این ملت ستمدیده میباشد ؛ گاندی ، بهرو ، مالابا ، یاتل ،
ساروجینی باید و صد ها نفر دیگر که نماینده حقیقی ملت هندوستان میباشد
در کج زندان محبوسند

دولت بریطانیا چه خواهد کرد ؟ تمام قدرت و اختیار در دست
خود او است ؛ انواع اسلحه بری و بحری و هوایی در دست بریطانیا است ،
مطبوعات هندوستان را در پنجه آهنین خود فشار میدهد ، موسسات تبلیغی
برای مفاطه کاری در تمام نقاط دنیا برقرار کرده و دایره نفوذ خویش را
بیش از حد تصور در همه جا بسط داده است

بریطانیا باین جهت ملزم بسطت بیرونی میباشد ، ممکن است در
خانه کنفرانس آقدر آزادی برای هندوستان قائل شوند و بیارلمان پیشنهاد
کنند که باز هندوستان در قبضه اختیار و اقتدار آنها باقی بماند ولی بهر نحو
شده ملیون را بدورسته مخالف و موافق تقسیم نموده و نظم نفاق را مابین
آنها خواهد پاشید . آری بریطانیا ممکن است نصرت فلی او بخواباند ،
قائدین را برضد همدیگر بکمارد و چون باین طریق اساس نهضت را متزلزل
نمود مجددا بفره نهر و سر نیزه متوسل شود ناموقی که مجدداً لازم شود
بانصت دیگری بچنگد

ولی در هر صورت مجبور است در آن موقع نیز بچنگد . ملتیکه تا این
اندازه تهییج شده باشد این قدر صبور و بردبار بوده و مصائب وارده را
اینطور تحمل نماید نمیتواند حقیقت را فراموشی کند . این بازی هنوز
خاتمه نیافته است . پرده اول آن در سال ۱۹۲۱ نمایش داده شد در سال
۱۹۳۰ دومین پرده بمعرض بیایشی گذارده شد باید منتظر پرده سوم بود

فصل چهارم

دفاع از انگلستان

من در فصل اول اوضاع مخوف و دهشت آور هندوستان هندی را شرح داده‌ام باید بگویم که حقایق را تا يك حس دلسوژی و همدردی که مخصوص جامعه امریکائی است را که آمیزی کرده و بروی آن صنعت‌ترنم زده‌ام : در فصل اول از هندوستان دفاع بعمل آمد بدون اینکه دعاوی طرف مقابل تذکر داده شود . اکنون میخواهم در این فصل کلیه دعاوی انگلیس را بطور کامل و با دقت مخصوص در طی این صفحات منذر گردم و بگذارم انگلستان باروبه و روشی که مخصوص خود آنست افتاده دعوی نموده و از خوبتتن دفاع بعمل آورد و تا موفقی که کلیه حقوق و دعاوی آن تشریح نشده بجواب نپردازم .

۱- انگلستان سخن میگوید

دفاع مطابق اصول آنچه

در باطن امر مقادیر و دعاوی انگلستان برای قبضه کردن هندوستان جنبی بر فلسفه تبعیض و اصول بقای اصلح و اقوی میباشد یعنی همان اصولی که بقوی حق میدهد ضعیف را برای اجرای مقاصد خود بکار برد . چند سال قبل سر ویلیام جوبین من هیگس وزیر داخله انگلستان در کابینه بالدوین این موضوع را چنین روشن نمود : « میدانم در بعضی از محافل مبلغین چنین اظهار دارد که ما هندوستان را تسخیر نمودیم تا میزان فکری و اخلاقی و تربیتی جامعه آنرا بالا ببریم . این ادعائی است ریاضوانه . ما هندوستان را در قبضه تصرف و اقتدار در آورده‌یم برای این که منافع انگلیس را در آنجا بفرش برسانیم و بنا براین با تمشیر و سرنیزه در آن سرزمین حاکم‌داری خواهیم نمود »

زیرا که هندو کلیتا (آنچه) که از این پند گفته میشود از قول
انگلیستان خواهد بود) منسوب بنژاد یسئری میباشد که بواسطه تاثیر کیفیت
آب و هوا طبیعتا حاضرند که ربه بندگی اجانب را بگردن بگیرند حرارت
آفتاب و خشکی و بی آب و عای آسرزمین لم یزوع منجر بضعف دماغ
جامه هدی شده است ضعف و ناهوایی فقر و مسکنت تولید نموده و از
این هر دو ظلمت جهالت بوجود آمده است این مملکت بقدری ضعیف و
بطوری فاقه قوه حفاظت نفس و خود مختاری است که سراسر تاریخ گذشته
آن عبارت از شرح فتوحات متواتر و استیلاء بی در پی اجانب است چهار
هزار سال قبل نژاد آریین از طرف شمال این سرزمین هجوم آورده آن
را تسخیر نموده و تمدنی متناوب ارواحیات خویش بوجود آوردند حرارت
آفتاب قوه و فعالیت آنها را یزمرده نمود و تمدن آنها مضحل و نابود
گردید هفتصد سال قبل مسلمانان از طرف شمال این مملکت تاخت آوردند،
دولت این تمدن را مستقر و مستحکم گردانیدند و
حرارت آفتاب قوه و فعالیت آنها را نیز یزمرده نمود و تمدن آنها نیز
مضحل و نابود گردید . چهار صد سال قبل مغولان از شمال آسرزمین را
مورد تهاجم و تاخت و تاراج قرار دادند ، دولتی تشکیول دادند و تمدنی بر پا
نمودند ، حرارت آفتاب قوه و فعالیت آنها را یزمرده نمود و تمدن آنها
نیز مضحل و نابود گردید . در اوایل قرن هجدهم که اساس امپراطوری
مغول متزلزل گردید سرزمین هندوستان مجددا مورد تهدید اجانب قرار گرفته و
هر لحظه بیم آن میرفت که طایفه وایلی تارخ نفس حمله آورده و آن را
بغیر و غلبه تسخیر کند . اگر انگلیستان اهتمام بتصرف آن مملکت نمی کرد
قطعا فرانسه یا پرتغال یا لهستان اینکار را که بالاخره حتمی الوقوع بود
انجام میدادند . هندوستان خیلی نیکبخت و سعادت مند است که بهترین و
عالیترین حکمداران و بزرگترین مدیران عصر جدید بر آن خطه فرمان
فرمائی می کند .

فانمین سابق در هندوستان مانده و قدرت و توانائی خود را از دست دادند .

ولی انگلیسها عملا بدستل یکی بعد از دیگری بانقوای تازه و اعتماد وافی
بان سرزمین روی میاوردند و رؤساء و فرمانبرمایان و صاحبمنصبان انگلیسی

هر روز شش ساعت بارهای گران بدوش گرفته و میبرند و مزد روزانه آنرا از یکقران تجاوز نمیکنند .

عده کثیری از آنها بمنزله فواحش معابد از روی میل و رغبت عفت و ناموس خویش را در اختیار روحانیون شهوت پرست گذاشته اند، بیش از نصف زنان این سرزمین در حرمخانهها و در یس پرده بسر برده و در تاریکی جهالت و غفلت زندگی کرده و معروض امراض گوناگون واقع شده اند و میلیون دختر در سن ده سالگی در خانه شوهر میباشند و بیش از یک میلیون در این سن شوهر خود را از دست داده و عنوان بیوای بر آنها اطلاق میگردد. تقریباً ۲۶۰۰۰۰ زن بیوزن در این مملکت وجود دارند که نمیتوانند شوهر ثانوی برای خود اختیار کنند . تمثالها و مجسمه هایی که زینت بعضی معابد هندو میباشند خدایان و آلهه هارا در حالیکه باهم بانواع مختلف رابطه جنسی دارند نشان میدهند.

مردم این مملکت بواسطه اصول طبقاتی بدبایل و فرق و دستجات بیشماری منقسم شده اند. طبایفه برهمن طبقه چهارگرا و چارکر طبقه مرتدین را مورد خشم و غضب و آس و سوز خود قرار میدهد. در این کشور ۲۰۰۰۰۰۰ نفر مرتد وجود دارند که در اثر اصول طبقاتی و عقائدات قومی از دخول در مدارس عمومی معرومند، نمیتوانند از جاهها و چشمه های عمومی آب بردارند. و حتی هیچگونه مرادده ای با سایر طبقات عالی ندارند. در خواب نوسین غفلت اندرند و در ظلمت جهالت بسر میبرند. اوضاع ذلت بار زندگی این مرتدین بقدری باکثافت آورده است که در هیچ جا و در هیچ زمان نظیر آنرا پیدا نمیکنیم

این مردم تیره بخت جز بشاغل بست و موهن حق دخالت بکاری ندارند و در منتهای بیچارگی بسر میبرند. در صورتیکه برهنه های متمول مشغول ذخیره کردن طلا و جواهر میباشند و در میان غارت و غوطه میخورند. ملتی که از تمام ملل دنیا فقیرتر و بیچاره تر است در تحت حاکم داری برطانیای پیوسته بده نفوس آن افزوده میشود . چنین ملتی میخواهد

موهومات جاهلانه برهاند و تا موقع مرگ خدایان آنرا مورد تمسخر و استهزاء قرار دهد. رجعت بسادگی قرون وسطی و استعانت از چرخهای دستی کاندی موحیات بیکبختی را فراهم ننموده و قضیه هندوستان را حل نخواهد کرد تنها علم و صنعت قادر بر حل این معمای مرموز است فرض کنیم صاحبان کارخانجات هندوستان که اغلب آنها از سرمایه داران هندی هستند کارگران را از همتی ساقط کرده و بفارغ تدریجی آنها مانند همه صاحبان کارخانجات متدیوانه و ولی آنها همه بمنزله امراض عارضی حیات صنعتی رفته و طوایف نخواهد کشید که یکی مصالحه خواهد شد. فرض کنیم که بکارگران کارخانجات کمتر از استحقاق آنها حقوق پرداخته میشود ولی باید دانست که بکار آنها هم از روی حدیث بوده و در مهارت و استادی مدرسه کارگران اروپا و امریکا همیرسانند، امروزه لوایح زیادی راجع به کار اجسادات تصویب رسیده که از ساعات کار کاسته و ساعات کشتایش امور کارگران شده است کارگران ماهر، مکایمهای لایق و صاحبان سرمایه هندوستان انزائم شده اند تا اینکه استمداد و لیاقت در درجه هندی پروراندند. تاسیس و برپا داشتن سیستم ملی، انگراف، تلگراف، پست ترویج و توسعه چراغ برق، ساختمان راه آهنی بطول ۱۰۰۰ مایل، باب تروت و ترقی در روی هندوستان ممنوع بوده است. این مواهب و مظاهر است که از عرب به هندوستان اعطا شده و این توفیق حیری و غیر احتیاری فکر و حیات جامعه این کشور را بهجرای بهتر و سالیتری انداخته سرعت وسائل نقلیه هندوستان را از کند کاری و شتر مانی دور کرده و آنها را بطوری ترییت کرده است که عنقریب میتوانند با ملل دیبای امروز رقابت و همسری نمایند.

اگر ستایم بومی و ملی هندوستان راه انحطاط و زوال را پیموده برای ایست که از اصول مکایمکی عصر حاضر احتراز نموده و تصور میکنند در چنین موقعی که نصف دنیا با سرعت برق رو بطرف تمدن و تکنیک میروند میتوانند در سر جای خود متوقف مانده و تروت و تمول نیز بدست بیاورند تقریباً يك قرن قبل از این آبه ده بوا پیشگویی نمود که تمسخر و استهزاء برهنها نسبت با اصول فکری و طرز زندگی متمدن هندوستان را بیرنگاه عبودیت و اسارت سوق میدهد، اگر در این یکصد سال اخیر صادرات

این موضوع نتیجه حوادث تاریخی است نه مصادف جنابت بریتانیا : در تمام جنگ‌هایی که در چند قرن گذشته بین شرق و غرب بوقوع پیوست همیشه تاخذت و هجوم از طرف مشرق بود . وای از موقعی که تجارت از آسیا رخت بر بست اساس این سیادت متزلزل شد . ملای که خواستند به‌نایم دستی انگاه نمایند در مقابل انقلابات صنعتی طریق انحطاط را پیمودند . تا موقعی که هندوستان اصول تمدن و طریق استحصال این عصر را نیز پسرفته و تعمیم داده است طبیعتاً و بطور قطع همیشه مورد تهدید استیلاء و غلبه اجانب خواهد بود

جزئی مطالبه‌ای از اوضاع هندوستان ثابت میکند که حکم‌داری بریتانیا برای آن خالی از فوائد و محسنات نبوده است ، زیرا قبل از استیلا ی بریتانیا هندوستان وجود خارجی نداشت ، در قلموس سیاست اسم هندوستان یافت نمیشد . در این سر زمین وسیع پگنده شاهزادگان مشغول حکم‌داری بودند که علی‌الدوام باهم جنگ می پرداختند . حتی امروز هم يك زبان عمومی برای همه مردم این سر زمین وجود ندارد . حتی رؤساء انقلابی مترفند که تنها زبان انگلیسی است که در میان بیش از ۲۰۰ زبان مختلف در این مملکت جنبه عمومیت دارد و تنها بوسیله این زبان بین اهالی آن مملکت میتوان وحدت نظر در مسائل انقلابی و سیاسی تولید نمود . حتی امروز هم بیش از هفتصد ایالت در هندوستان وجود دارد که در تحت حکم‌داری شاهزادگان بومی بوده و فقط در مسائل خارجی دولت بریتانیا در امور آنها نظارت میکند : این شاهزادگان که با این سهولت راضی به سیاست دولت بریتانیا میبایند ولو پای جنگ و خونریزی هم بمیان بیاید بهیچوجه حاضر نخواهند بود در مقابل پارلمان در هندوستان سر تسلیم فرود آورند . فقط اصول و قوانین بریتانیا توانسته است ، این ایالات مختلف ، مذاهب مختلف و نژادهای مختلف انتظام و امنیت عمومی رامستقر بدارد . دستجات و فرق مختلفه هندوستان فقط بسر بازان انگلیسی امیدوارند که از نوع جنگ بین مسام و هندو جلوگیری نمایند : تنها قشون مسلح و ورزیده بریتانیا و بحربه مقتدر بریتانیا توانسته است در مدت یکقرن از مهاجمات خارجی در بر و بحر جاو گیری نموده و هندوستان را از مخاطرات استیلاء اجانب برهاند و از هجوم قبایل وحشی شمال یا دول حریص و استعمار دوستی مانند امپراطوری

زایون معاونت وصل آورد : تنها لوه فضائیه بریطانیا توانسته است يك سلسله نواین اجتماعی و کشوری و جنائی تدوین نموده و در سراسر کشور هندوستان بموقع اجرا بگذارد . تنها تبلیغات بهترین مغرب توانسته است از شدت تفسخر و استهزاء برهمن ها نسبت طبقات دیگر بکاهد ، مرتدین را از این حیات ذلت بار نجات بدهد ، بانها تربیت و تعلیم و طب و علم اعطا نماید و روح امید و حیات حقیقی را در آنها پروراند .

هندوستان از همین انگلیس افکار و اصول ده و گراسی را که اینگونه باعث تهییج و تحریک انقلابیون آن میباشد و اقتباس کرده است ، هندوستان در هیچ موقم نه در عمل و نه تئوری و تصور دارای افکار دموکراسی نبوده است . هیچوقت اصول تساوی در حیات اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی هند پدیدار نبوده و این کشور از اصول حریت ، هیچوجه اطلاعی نداشته است ولی هنوز توانسته اند در تحت حکمداری بریتانیا مجلس تقنینیه برقرار نموده و کابینه وزارتئی که دارای اقتدار تامه باشد برقرار و تشکیل نمایند . دوایر ابالتی تقریبا کلیه مستخدمین خود را از بومیها انتصاب می کنند اجازه خود مختاری بهندوها دادن بواسطه جهالت و فقرت و نصیبی که در روح و بیکر آنها حکمرما است باعث وحشت و ددشت کلیه مطلقین بصیر گردیده است زیرا این حقیقت بیوت پیوسته که هنوز هندوستان لیاقت خود مختاری ندارد

البته نمی توانیم از معاونت های انگلیس برای اجرای اصلاحات دینی و عقیدتی بطور قطع و مستقیم سخن بگوئیم . زیرا محافظه کاری مغرب هندی باب این میدان را بر روی مطلقین خارجی می بنده ولی رفته رفته عادات و آداب زشت و ناپسند یکی بعد از دیگری از میان این ملت رخت بر بسته و جای خود را بهتانت و دقت نظر انگلیسی داده است . از منسوخ نمودن قانون سوزاندن زن هنگام مرگ شوهر گرفته تا جلوگیری از ازدواج اطفال که اصلاح تولی در ۱۸۲۹ و دومی در ۱۹۴۹ یعنی درست بگمصد حال بعد بموقع اجرا گذارده شد اهمیت دادن به مقام زن در هندوستان و عروسی کردن زنان بیوه ، نسیم اصول نظارت در موالید ، بهبودی اوضاع حیات اجتماعی مردودین همه اینها بهترین نمونه نمود افکار غرب است .

از این اصالت اخلاقی بگذریم و اگر بخواهیم اینها را بی اهمیت تصور کنیم راجح تربیت فکری هندوستان در تحت حکمداری برطانیا هر چه بگوئیم بجا است . کسانی که باب تحقیق را در زبان و ادبیات هندوستان قدیم مفتوح نمودند و ادبیات و حکمت (ودا) را احیاء کردند محققین اروپائی و انگلیسی بودند . قبل از اینکه (سر ویلیام جونز) و (ماکس ملر) قدم بر سره وجود گذارند لفظ «اریخ» در زد هنوز معنی و ماهومی نداشت . ولی در اثر مجاهدات این دو محقق تاریخ در هندوستان بر موقیبت خود را احرار نمود ، با مطالعه آن روح جدیدی در پیاده ملیون هندی دمیده شد هندوستان مدت عام و معرفت را چشید ، معنی تحقیق را فهمید و بالاخره بطرف عالم بر متایل شد . مدارسی که با ودعه خارجیه و مملوین اداره میشد در سراسر هندوستان تشکیل و تاسیس کردند ، تربیت اروپائی که قول بکفر هندی و در کتب مواهب آسمانی است که در تحت حکمداری برطانیا هندوستان عطف کردند است و در سراسر این کشور رسوخ بهت و مفهوم برستی ، نصب و حرمان و جهالت را از میان برد هندوستان که هر ما هزار سال بود با انحطاط فکری مبتلا شده بود منتظر بود که چس برود در زمینه حساب احتمال آن گاشته شده و سر سر و برومند کردند . ماظم روح شرقی و غربی ، وسطکاک افکار اروپائی یا بهتر بگوئیم اصطکاک علم و دین منشاء این روح اولیاء فعل از موسم شایسته میشود شرق از بنده شراب عرب بر مصب و از حور وجود شده و حلوه های طاغری آردی ، عیش و شرب از آسما و انکلی گنج کرده است

۳ — کتاب رسوز اقتصاد سبیک پوست

از آنجائیکه مال دنیا واسطه اصباح تبدیلی که هم دارند نمیتواند کاملاً آزاد باشد آزادی با همه آنکه که ان تمدن در دنیا وجود دارد رای هندوستان امکان پذیر نتواند بود در هر جا که صنعت جای فلاح را زرت مردم محصور شدند آوقه و اوراق خود را از خارج تهیه کنند و دره قابل مصوعات خود را خارج مرستند و این طرق قیمت واردات خود را پردازند حیات صنعتی مال را جستجوی بازار برای فروش مصوعات خود و تصرف مواجی حاصلخیزی که دارای مواد خام بقدر کفایت میباشد مجبور بود و مللی که این طریق محتاج و مجبور با اعتماد شدند برای حفظ تمام خود

در نگاهداری مستعمرات کمال دقت را بجای آورده اند . بالاخره حیات صنعتی اساس امپراطوری را طرح ریزی و مستحکم نمود . در دنیا يك اصلی که ما آنرا قسمت و تقسیم مینامیم وجود دارد ولی این « تقسیم » بیش از اینکه در حیات سیاسی ما نافذ باشد حیات اقتصادی ما را تحت نفوذ خود قرار داده است یکی از قوانین حتی و لاینفک این اصل اساسی اینست که هر مات از اداره منابع ثروت مملکت خود و استحصالی از خاک خویش عاجز باشد طبیعتاً باید بنصرف يك دولت خارجی در آید و بالاضافه و در مردمی که توانائی تربیت و اداره آن خاک را داشته باشند خواه مستقیم و خواه غیر مستقیم باید در آن کشور سیادت خود را مستقر سازند .

افراد ملت انگلیس که در اثر انقلاب صنعتی و از بین رفتن حیات فلاحتی از مزارع « درون کارخانجات رانده شدند اگر از استعمار نواحی حاصل خیز و تهیه مواد خام و ارزان در بین نواحی عاجز بودند قطعاً بایست از گرسنگی بمیرند . این افراد جویای این نواحی بودند ، آنها را پیدا کردند و منصرف شدند . این کاری بود که هر ملتی میکرد و تمام ملل میکنند . روح و معنی تاریخ عصر جدید همین اصل است .

بطوری که دیدیم انگلستان در اثر تکامل اقتصادی محتاج سرزمین هندوستان ماند و قطعاً هر گونه اختلاف و کشمکش که ما بین این دو ملت غالب و مغلوب پدید آید از لحاظ سیاست برای هندوستان خطرناک بوده و از لحاظ اقتصاد انگلستان را بوبرانی سوق میدهد . فکر کنید . اگر هندوستان در چنین موقعی خود مختاری تامه اعطا شود چه خواهد شد ؟ قطعاً لوایسی بتصویب پارلمان جدید خواهد رسید که بموجب آن میلیاردها دلار از دست سرمایه داران اروپایی خواهد رفت بامته انگلیسی کمرکهای کمر شکن خواهد بست و اینستکه باعث بیکاری بیش از يك میلیون کارگر انگلیسی خواهد شد : هندوستان آزاد خود مختار حس تنفر را نسبت بتمدن مغرب در قلب اطفال و نسل آینده خود در هر دوره تزریق خواهد کرد . صاحبمنصبان و اعضاء دوائر لتگری و کنواری انگلیسی را اخراج خواهد نمود فعالیت فنون را درهم خواهد شکست در ب سرحدات شمالی را بروی

قبایل افغانی باز خواهد گذاشت، زمینه ای برای تهاجم استیلاء چو پانه روس
مها خواهد کرد و بالاخره با امپراطوری بریطانیا خاتمه خواهد داد
از یکقرن قبل روسیه، هون و اقتدار خود را در جنوب آسیا بسط
داده است. امروز جماهیر شوروی ترکستان، ازبکستان، تاجیکستان و غیره
را در تحت هون و سلطه خود دارد. اگر انگلیس از هندوستان قدم
بیرون گذارد هوری روسیه قدم در آن کشور خواهد گذاشت روسیه و
چین يك اتحادیه اقتصادی شوروی با هندوستان و قرار خواهند کرد و از
این اتحاد بزرگترین جنگ اقتصادی در دنیا رخ داده و ملیونها آسیائی داخل
معرکه چهار زار شده، تجارت اروپائی و تمدن مغرب را وازگون خواهد
سود. امپراطوری بریطانیا را که یکی از معظمترین و منظمترین سیستم و تشکیلاتی
است که تا کنون دنیا بخود دیده خطر بزرگی تهدید میکند: امنیت در
مسافرتها وجود نخواهد داشت: سئید پوستها در هیچ شهری از آسیا در
ایمان نخواهند بود.

انقلاب هندوستان صلح و آرامش و موجودیت استرالیا و زبلاند
جدید را تهدید کرده و سیادت بزاد سئید را در تمام نقاط دنیا متزلزل
خواهد ساخت. اگر بهندوستان خودمختاری بدهید ادعای تساوی با کانادا،
آریقای جنوبی و استرالیا خواهد نمود. این مساوات را نیز به آن بدهید
فورا آزادی مهاجرت نمود را باین ممالک خواستار خواهد شد. این اجازه
را بدهید قطعا مقیاس معیشت در همه دنیا بدرجه مقیاس معیشت در آسیا بادل
خواهد شد. زرز و گنز، پروردور معروف آلمانی در سال ۱۹۱۱
روح این قضیه را اینطور بیان میکند: «در هندوستان بیش از تمام نقاط
دنیا سیادت بزاد انگلیس آشکار و پدیدار است. اگر آسیا در این کشمکش
موفق شده و با اساس سیادت بریطانیا متزلزل وارد کند بطور قطع بزاد
سئید در تمام دنیا تحت الشعاع سایر بزادها قرار خواهد گرفت
موضوعی که امروز ما با آن مواجه شده ایم عبارت از انتخاب بین
دو تئوری مختلف نیست. باید با آسیا را برای زندگی انتخاب کنیم یا
خودمان را. باید یکی از دورویه و زندگانی را که بهترین نوع آن در مپسان

نبایل مردود هندوستان از يك طرف و ملت عظیم آمریکا در طرف دیگر پات میشود انتخاب کنیم . هنگامیکه انگلیس بساط سیادت خود را در آسیا جمع کند نوبه سیادت به آسیا خواهد رسید

۲ - هندوستان جواب میدهد :

این معاذیر دولت بریطانیا برای اینست که خود مختاری بهندوستان اعطا بشود هندوستان در مقابل دعاوی مذکور چه جواب دارد بگوید ؟

۱ - انصاف طلبی هندوستان

هندوستان در مقابل بخاطر انگلستان باند آوری میکند که در سال ۱۹۱۴ بطور با تندر و تحیر اصول فلسفه نیچه را رد کرد در صورتیکه امروز تنها با این فلسفه و نظریه از حکمگذاری بریطانیا در هندوستان طرفداری و مدافعه مینماید و این اصول بنیاد دعاوی او را بر این کشور زیر دست منسوب تشکیل میدهد .

هندوستان امارت سیصد و بیست میلیون نفوس را توسط يك دولت قهار غربی و مذات و زیر دستی آنها را در مقابل ۵۰۰ و ۶۸ هر سرباز انگلیسی بتأثیر کیفیت آب و هوا منسوب نمیدارد بلکه معلول يك حادثه ناگهانی تاریخی دانسته و میگوید انگلستان در سال ۱۸۵۷ موقتیکه بهندوستان آمد از ضعف سیاسی و قشونی آن استفاده کرده و با تسخیر و تملک دویلهای اطراف آن را خلع سلاح نموده و از آن به بعد فرصت بداد که هندوستان خویش را مسلح نماید .

اصول سکری و اخلاقی و عادات و آداب زندگی ملتی را که پیش از یکقرن است در زیر زحیر امارت مینالد و در اثر تجاوزات جاراه يك دولت فاتح در وادی جهالت سرگردان مانده است با اصول زندگی ملتی که اینک نمره صدها سال حریت و آزادی و استقلال و تربیت و تعلیم عمومی را هر و مینماید نمیتوان مقایسه کرد و هندوستان این قیاس را ظالمانه دانسته و بر آن شدیداً اعتراض میکند . هندوستان مردد است که آیا امتیاح بریطانیا از مداخله در مسائل دینی هندوستان مبنی بر نظریات خصوصی و يك نفییرستی غیر عادلانه ای نبوده که میخواسته است برای حفظ منافع خود و امارت قطعی هندوستان بوسیله خویش این نوع افکار دینی مردم را بر باضت در دنیا تشویق

و بيك نجات عاليترى در آخرت نويد داده و نفوذ و استيلاء خود را مستحکم نمايد ؟ هندوستان در مقابل نسبت هاى كه در خرافات پرستى و جهالت بان ميدهند خرافات پرستى و تعصبات جاهلانه مغرب زمين را كه يروفسور چت تمام آنها را در كتابى موصوم به (مرد جاهل) و تدوين نموده برتخ غريبى ها ميگذرد و متذکر ميگردد كه موعومات متداوله در سر زمين هندوستان از موهوماتى كه در ميان اروپائيان رايج است بدتر ميباشد . تفاوتى كه هست در شكل و اسم است ، در اصل و ماهيت

(لورد) را با بنارس مقايسه کرده و شيوع افكار عجيب و غريب جديده را در ممالك متمدن كه اصول طبي را رد کرده و عقيدة ايمان را وحيله صالحه امراض بدياد بماندگار ميدهد ، موصوم دستجات مردم را در قلب تملن دنيا بهقابر مقدسين برآي امتشفا از امراض بادآور ميشود و معين ميگند كه دابر مدار مراسم دينى و عبادتى با بقاى افكار ديبى يك طابقه وحشى ميباشد ، هندوستان را ما برآي اينكه در حق وى واسطه فرانى كردن بزه الهه كالى (۱) دلسوزى ميكنيم تشكر مينمايد و در عين حال نسبت سقايد و انگارى كه به موجب آن هزار ها گوسفند و گاو در هر رور در شهر تراكا كو فرانى ميشود اظهار دلسوزى و تاسف مينمايد . از نفاق و اختلاف طبقاتى خود تاسف و به قابج و حيم آن معترف است ولى ميخواهد بداند افكار و نظريات يك نمر برهماى است بيگى از مرتدين جز در لفظ و شكل با افكار و نظريات يك لرد انگليسى نسبت بيك زارع ، بايكنتر بانگيه اى كه در (بارك اوو) منزل دارد نسبت بيك كارگرى كه طرف مشرق شهر زندگى ميكند يا با افكار و نظريات بيكنتر سفيد پوست يا يك ادويائى نسبت بيك آسيائى تفاوتى دارد ؟ هندوستان از ازدواج اطفال در آن سر زمين و از تاخير غير طبيعى اين امر در مغرب متقابلا اظهار تاسف مينمايد ، براي مدت دختران كوچك بيوا هندوستان و دختران خورد سال كارگر امريكا كه اينك بيش از يك مليون و ياصد هزار از آنها كه هنوز بسيزدهمين مرحله زندگانسى نرسيده

۱ - پكى از زيارت گاههاى معروف فرانسه واقعه در بيرت عليها در ناحيه ارژله واقف در نردىكى آبشار مسيل رودبو كه هر ساله از نقاط مختلفه فرانسه مردم براي زيارت بانجا ميروند (مترجم)

ولی در داخه کارخانجات روح طمولیت آنها نابود میگردد منساوبا اشک میریزد
 اختلاف و غناق مسلمین و هندود هندوستان را باز دو خورد و گشمش اخیر
 کانولیک و پروتستان در لیوربول بااختشانات بی سروبیای قرن اخیر در امریکا
 بانحرکات ظالمانه و ظریمانه و گوکلوکس کلان (۱) با تاثیر عجب افکار
 دینی هنگام انتخابات رئیس جمهور امریکا در سال ۱۹۲۸ مقایسه میکند . از
 زدو خورد و جنگ و خونریزی بین شاهزادگان هندوستان و بین مال متصدان
 مغرب متاسف است . بواسطه اسارت زن در هندوستان بر اسارت مرد در امریکا
 اشک تاثر از دیده فرو میریزد . مذلت مردودین را در هندوستان و حقارت و
 غیره سختی حشی های امریکا را مقایسه کرده و از هر دو تلبیا متاثر است و
 و با کمال سربلندی میتواند ثابت کند که هنوز معشا در هندوستان بقدر ممالک
 اختراقی دیگر توسعه نیافته و با کمال منات و ادب شیوع قتل و آدم کشی و
 فحشاء و وفور دستجات و امزن و قطاع الطریق کثرت جنایت و قاچاق را در
 امریکا مورد انتقاد قرار میدهد از متزلزل شدن ارکان دارالحکومه شهرها و
 فقدان امنیت حانی و مالی در کوچه ها و معابر امریکا . از شیوع باده خواری
 و میگساری در امریکا و فرانسه ، از کثرت امراض تناسلی از شیوع معاشره
 و عیاشی در کالجها ، در مجالس شب نشینی در صحنه تارها ، و نفوذ آن حتی
 در عمق ادبیات ما : از مناظر وحشیانه پیامهای سینما و کمندی موزیکال های ما
 از انحطاط و فساد عالم از دراج و فقدان اشظام و تربیت هر حیات اجتماعی ما
 خورده گیری و تنقید میکند

مسلم است که هر تمدنی مفاسد و قبایح زیادی را با خود بدیا میاورد
 خط اشخاص بی فکر و سطحی تمدن هر عصر را عیادت از این مفاسد میدانند
 بکنه امریکائی در هر حال که باشد امریکا را با وجود این همه قبایح که در
 حیات اجتماعی آن موجود است دوست میدارد و با اینکه هنوز جامعه امریکائی
 هم با تمام معنی واجد لیاقت خود مختاری نیست باز راضی نخواهد بود که
 بگدولت خارجی در این سرزمین حکمرانی نماید . اولین کسی که مفاسد و

گوکلوکس کلان جمعیتی است در امریکا که جداً مخالف مهاجرت
 از ممالک دیگر بان سرزمین بوده و بهیچ موجودی حق نمی دهند که در
 امریکا برود
 (مترجم)

قبایع شایع در هندوستان را متذکر شده و متصرف میگردد همان افراد این ملت است. از یکصد سال قبل بنی از موقعی که (رام موهان روی) نهضت ضد سوزاندن زنان بیوه را هنگام مرگ شوهر بجزبان انداخت سال ۱۹۲۹ که بموجب لایحه ای که علی رغم دولت بریطانیا و باوجود مخالفت های غیر رسمی شدید آن بتصویب مجلس رسیده و من ازدواج را برای دختران ۱۴ سال و برای پسرهای هیجده سال تامین می نمود

تمام اصلاحات اجتماعی بتوسط جمعیت های وطنی در هند و ستان بموقع اجرا گذارده شده است. جمعیت برهما سوماج و اریا سوماج فداکاری را در مخالفت و جنگ با ازدواج اطفال، بیوه کی داتمی، اختلاف طبقاتی، شرک و بت پرستی به متنا درجه رسانیدند. شماره اشخاصی که جدا از نهضت اجتماعی اخیر برای بهبودی حال مرتدین و استقرار آزادی برای آنها طرفداری کرده و می کنند از حساب بیرون است و خود کاندی برای اینکه طبقه مردودین را از آن ورطه ذلت بار مستخلص نموده و آنها را با طبقات دیگر در حقوق مدنی و اجتماعی مساوی نماید زحمات بی پایانی برده و چندین مرتبه خوب شدن را بخطر انداخته است.

مشارالیه یکدختر از طبقه مردودین را بغاه خود برده و برا بنادختری خود قبول نموده و بغانه ای که از معاشرت با این دختر امتناع کنند قدم نمیگذارد.

کاندی میگویند من از ازدواج طفل در هندوستان متادی و متفرم موقعی که يك طفل بیوه می بینم بر خود میارزم. در نظر من هیچیک از موهومات و خرافات برای هندوستان بجز این فکر که آب و هوای این مملکت خیلی زود اطفال را بعد باوغ رسانیده و روابط جنسی را در آنها الزام میکند زبان آورتر نمی باشد. آنچه که باعث و موجب این باوغ قبل از موانع و ما بهنگام میباشد همانا عقاید و افکاری است که محیط خانوادها را احاطه نموده و راجع بموضوع فوق صریحتر از این چیزی نمیتوان گفت در حقیقت بسیار اشخاص معتقدند که کاندی در ایراد و اعتراض باینموضوع راه افراط بیموده و نسبت بملتش بسیار خستونت بروز میدهد. ارنست وور میگوید یکدختر سیزده ساله در هندوستان از لحاظ عوارض جنسی باطنه دختر هفده ساله در انگلستان مساویست و باوجود این لایحیات رای می گوید

در نظر من ازدواج قبل از سن شانزده سالگی یکی از جناباب بزرگ اجتماعی است ولو اینکه دختران هندوستان در سن ۱۲ سالگی بنقطه بلوغ میرسند و با کمال اطمینان میتوان گفت که یکدختر دوازده ساله هندی همان مرحله را میگذراند که بگزن ۱۰ ساله امریکائی و اشخاص حساس و منصف اعتراف مینمایند که اجتماعات زیادی در هندوستان هست که برای منسوخ کردن اصول ازدواج اطفال جان نثاری میکنند و همطابق احصائیه های اخیر از عده دختران خورده سالی که بخانه شوهر میروند هر ساله سیسته میشود : اقرار میکنند که امروز بیش از ۶۰ درصد دختران بعد از سن پانزده سالگی عروسی مینمایند از مدتها باینطرف موقع بلوغ را سن سیزده سالگی قرار داده اند و دوهم رفته زمان هندوستان در سن ۱۸ سال و ۳ ماه مادر میشود :

بی انتظامی در روابط جنسی در کشور هندوستان کمتر از تمام ممالک دنیا است باید منتظر بود که هندوستان از امریکا نیز جلو افتاده و هرج و مرج را جانشین ازدواج اطفال نماید

در هیچیک از ممالک دنیا مانند سرزمین هندوستان اصلاحات اجتماعی باسرهت تعمیم نمی یابد میتوان گفت رسم ازدواج اطفال بکلی منسوخ شده و در قسمت اعظم هنوز با زنان بیوه نیز ازدواج میکنند و

نصرت می کنم بعد از يك نسل دیگر بیوه کی اجباری و دائمی نیز بکلی منسوخ گردد

در سال ۱۹۱۵ پانزده هزار زن بیوه مجدداً ازدواج نمودند و ده سال بعد یعنی در سال ۱۹۲۵ عده بیوه هائی که اقدام باز دواج مجدد نمودند به ۲۶۶۳ نفر رسید در کمتر نقطه ای در هندوستان از رقاصه های معابد با (دوداسی) ها اثری پدیدار است هر مسامری که به هندوستان وارد میشود برای دیدن یکی از آنها بهر جانب در تکیا و است ولی اینگونه زنان یافت نمیشود اساس عزت کزینی زمان متزلزل میگردد و نهضت انقلابی اخیر این دسته را از پس پرده بیرون آورده در عرصه زندگانی داخل کرده و با نسوان مغرب در يك ردیف قرار داده است عده زیادی از این زنان آشنا با اصول علوم عصری میباشند و حتی يك مجمع نظارت در تولد نیز تشکیل یافته است و در شهرهای هندوستان زنان از پس پرده حجاب بیرون آمده و این پرده ها را بدور می اندازند و امروز بیش از ۶ درصد از آنها عقید

بجایاب نوشتند : زنهای متجدد بدون حجاب در کوی و بوزن عبور میکنند بدون اینکه حسن عرصه‌ساری نمایند . در بعضی ایالات مهم زنها در مسائل سیاسی حق رای دارند و حتی مسئولیت‌های اداری سیاسی را نیز به عهده میگیرند در مرتبه رئیس کنکره ملی هندوستان از طایفه نسوان انتخاب شده است مدتی زیادی از زنهای دوره مدارس عالی را با تمام رسانیده و در طب و حقوق و سایر علوم باخذ درجه دکتری نائل گردیده اند . اگر باین ترتیب پیش برود طولی نمی کشد و رقی برکشته و بوجه سیادت اجتماعی بزنها برسد آیا نباید نمود افکار غربی را عامل و مسئول این اعلامیه که توسط یکی از پیروان کابلی انتشار یافته است دانست ؟

« حجاب قدیم را بدور بیندازید ! بزودی و فوریت از آشیز خانها بیرون آئید ! دیگرها و تابه هارا بطرفی برتاب نمائید ! یرده جهالترا از جلو چشمان خود بردارید و دنیای تازه و نورانی نظاره نمائید ! بگذارید شوهران و برادران خودشان برای خودشان غذا تهیه کنند ! شما برای اینکه هندوستان را در ردیف ملل حیه قرار دهید مسئولیتهای زیادی بعهده دارید . »

آری اینست نتیجه افتان بذر افکار غربی در منز شرقی ما بحالتاً نمیتوانیم بگوئیم که آیا این گمراهی خگری برای هندوستان منتج سعادت خواهد شد یا شقاوت

۲ - انحطاط اختلاف طبقاتی

هنوز بزرگترین و مهمترین مایب اجتماعی در جلو ماست امتیاز طبقاتی در يك برای هندوستان جزء اصول حیاتی شمرده میشود و لازم بود بوسیله این امتیاز از حشر و نشر طایفه قالب و فرقه منلوب جلوگیری بعمل آمده و نژاد آریین در این سر زمین خالص بماند . حتی امروز هم ما نمی توانیم منتظر باشیم يك برهمنی که در عالیترین مدارج اجتماعی قرار دارد بادختری از افراد خانواده مردودین هم بستر گردد . در ماوراء این امتیازات طبقات يك اصل ثابت صحی که متفق الیه علماء علم الحیات است وجود دارد .

از بین رفتن صنایع بدی و نسیم امور صنعتی امتیاز طبقاتی را مخالف مقتضیات عصری قرار داده است . عقل و پیشه اجدادی که بز

لوازم صنایع و صرف بومی است مقابین با اصولی صنعتی در شهرها و درون کارخانجات میباشد. انقلاب صنعتی اخیر اختلافات طبقاتی را از بین برده و بجای آن اصول دموکراسی را تعیین و انتشار داده است. زیرا صاحبان ذوق و فریحه و استعداد را از هر طبقه و طایفه ملزم نموده که بروی کار بیایند و نوآغازی فکری خویش را مورد استفاده قرار دهند. یکی از مواد پروگرام عمومی قرن حاضر اینست که امتیاز طبقاتی را در هندوستان از بین ببرد ولی نه با قهر و غلبه و اجبار بلکه بوسیله تکامل اقتصادی. امروز اطفال برهنه، کاسب، اشخاص و اعضاء قشونی، و طبقه مردودین در داخل کارخانجات در يك ردیف مشغول کارند. معادن اطغال این طبقات مختلف را با هم محشور و مخلوط میکنند، مائیس ها و برن ها آنها را محشور و مخلوط میکنند، اشتراك مساعی در مدارس و مكاتب آنها را محشور و مخلوط میکنند یکی از نویسندگان معتقد است که تا بیست سال دیگر امتیاز و اختلاف طبقاتی در هندوستان بکلی از بین میرود. در اغلب ایالات امروز طبقات دنیه بزر در انتخاب روسای بلدی شرکت مینمایند. حکمران ایالت پادرودا که یکی از ایالات مهم هندوستان است منسوب بیک طبقه متوسطی است. مهاراجه کوالپور و مهاراجه میسور هر دو از طبقات دانیه میباشد. مهاراجه کشمیر افراد تمام طبقات را بدون امتیاز و تفاوت بدربار خود می پذیرد. در کنگره ملی هند زنان هر طبقه و طایفه بدون احترام با هم دستر و نشر می نمایند، هر روز چند تن از افراد يك طبقه با دختران طبقه دیگر ازدواج مینمایند.

هر کس که مایل باشد حقیقت این موضوع را برای العین ببیند در اجتماعات هندوستان نظر کند: خواهد دید که افراد هندی از فرقی و طبقات مختلف با هم در یکجا غذا میخورند در یکجا کار میکنند در یکجا بازی میکنند و در تاتر ها و سینما ها پهلوی هم می نشینند بدون اینکه در فکر رجحان و مزیت طبقاتی باشند:

* من خودم در شهر مدرس با چند نفر هندی نشسته بودم ناگهان بطورم خطور کرد که اصل و زاد هر يك از آنها را بپرسم. ایشان در جواب من تبسمی کرده و اظهار داشتند که دیگر باختلاف و امتیاز طبقاتی اهمیت نمیدهند البته میتوان تصور کرد که این موضوع استثنائی است و آن را نمی توان مقیاس عمومی قرار داد

(مولف)

ولی باید دانست که مردودیت هنوز بجای خود باقیست حتی امروزه هم در بعضی نقاط هندوستان افراد طبقه مردودین حق دخول بمعابد، آب خوردن از جاهای عمومی، و عبور از بعضی جادههای مخصوص ندارند؛ صدها مؤسسات ملی و اصلاحی دست معاونت بطرف این طایفه ذلیل و تیره روز دراز کرده اند. ولی تا موفقی که باستعانت صنعت سرمایه این کشور افزوده نشود و این طایفه سهمی از آن نبرند نمیتوان منتظر بود که بتوانند اوضاع فلاکت بار و کتیف خود را تغییر داده و خوب شدن را پاك و نظیف نموده و برای دخول در اجتماع حاضر کنند. آزادی از طرف طبقات عالی، از طرف تشکیلات برهمناسوماج، اریاسوماج، کاپیساهاهی مسیحی و خود شخص هندی بانها اعطا میشود. مدارس که از طرف دولت توسط مدیران هندی تأسیس شده بنیان این آزادی را محکمتر می نماید؛ در سال ۱۹۱۷ مدتی اطفال طبقه مردودین که در مدارس مشغول تحصیل و تحقیق بودند به ۱۹۵۰۰۰ بالغ بوده در سال ۱۹۲۶ عدده آنها به ۶۶۲۰۰۰ رسیده در اثر نفوذ اخلاق و معتقدات هندی افراد برهمناسی و مردود در اجتماعات دست اتحاد و برادری بهم داده اند هر روزه بنیان عقاید و اختلافات قدیمه متزلزل تر میگردد و هندوستان حاضر و مهبیا خواهد بود که هر موقع بخواهد خود را دور دین ملل جدید، بشمار آورد.

طبیعتا باید تصور کرد که دولت بریتانیا در هندوستان برای اجرای اصلاحات اجتماعی مساعدت های زیادی نموده است ولی خیلی جای تسجب و باعث تاثر است که تا آنجا که توانسته با این اصلاحات مخالفت بعمل آورده است. در مجلس مقننه هنگام طرح لوایح اصلاحی حکومت هندوستان همیشه با وسایل مستقیم و غیر مستقیم از مخالفین طرفداری کرده و با آنها موافقت نموده است. اصلاحات اجتماعی بدون این که از طرف دوایر دولتی اقدامی برای اجراء آنها بشود توسط مؤسسات اصلاحی ملی بموقع اجراء گذارده شده. دولت تا چند بالایشه ای که سن از هواج را بالا میرود جدا مخالفت بعمل آورد. در سال ۱۹۱۱ و سال ۱۹۱۶ لوایح تعلیم ابتدائی اجباری را رد کرد. قوانین دولتی کنونی طوری تدوین شده که معنا از حرافات و موهومات طرفداری میکند بموجب این قوانین اگر یکی از افراد

طبقه مردودین یا از کلیم خود بیرون بگذارد ، مستحق مجازاتست هر موقع که یکی از این بیچارگان برای استرداد حقوق مدنی و اجتماعی خویش بخواهد صدای خود را بگوش جامعه برساند قوانین دولتی تمام و حفظ صلح و انتظام یا بیان گذاشته و کلوی او را می فشارد . « دولت امپراطوری بریتانیا همیشه طرفدار امتیاز طبقاتی بوده است . . . بدو عات اول اینکه باین وسیله خود را محبوب طالبه برهن قرار داده . . . ثانیا اختلاف طبقاتی را در دولت امپراطوری بریتانیا را بموجب اصل ثابت و تجربه کن و حکمداری نما و در استعمار هندوستان آسان می نماید . و دولت برای خود عذر تراشیده و بنام و عدم مداخله در مسائل دینی و این امور را در جریان سوء سوء باقی می گذارد و احوالنا از تغییر جریان آنها هم بوسائل مخصوصی جاو کبری می کند ولی خود هنوز در اغلب ایالات آزاد چندین سال قبل از اینکه دولت انگلیس در هندوستان بکر بیفتد يك سلسله اصلاحات بهم اجتماع می را بموقع اجراء گذارده اند .

بهر اینست بگذاریم عالم روحانی انگلیسی کشیش س ف اندرو مطلب را برای ما خلاصه کند مشار الیه میگوید .

مشاهدات یومیه من در مدت ربع قرن در هندوستان بس ثابت نمود که حوادث و وقایع روز مره پیوسته بطرف تکامل رفته و بروی بنیان انصابت مستحکم میگردد . هر روز در اثر نجارب دقیق باین حقیقت تلخ برخوردارم که حکمداری بگدولت اجنبی در این سرزمین سد شدیدی در راه اصلاحات اجتماعی بوجود آورده است . یاد دانتهای رسمی در مجلس مفتنه بلکه عکس العمل شدیدی بوجود میآورد . . . اگر فردا بساط فرمانروائی امپراطوری بریتانیا از این سرزمین برچیده شود لزوم بهبودی اوضاع و احوال طبقات تحت تحت توجه قرار گرفته و سر فصل پروگرام اصلاحات ملی و اجتماعی را تشکیل خواهد داد .

اگر سیاستمداران هندوستان بجای امپراطوری بریتانیا دارای ادوات لازمه بودند اصلاحات اجتماعی با سرعت زیاد بموقع اجرا گذارده میشد

۳ - هدایای یونان

حتی تکامل اقتصادی که در صورت آزادی هندوستان حتی الوفروع

بود بواسطه تسلط بریتانیا در بونه اجمال و نوبتی گذارده شده است صحیح است که حکومت فعلی باین اساسه تشکیلات زراعتی داده است که نسبت با اقدامات حکمداران بومی قدیم خیلی غیرمکنی میباشد ولی بقدری مالیات بدوش دهاقین و زارعین تحمیل نموده است که در اغلب موارد این بیچارگان تاب ماندن و تحمل کردن را نیاورده اند این حقیقت صحت دارد که نواحی لم یزرع در نتیجه اقدامات دولت امروز کم و بیش کشت و زرع میشوند ولی توسط یک مشت دهاقین که بیش از اندازه توانائی خود مجبور پرداختن مالیات میشوند در عین حال باید دبد و عاقدز که باراضی مزروع افزوده شده از طرف دیگر دولت قسمت زیادی از جنگلها را تراشیده و برای تعمیر و اصلاح آنها اقداماتی بعمل نیاورده و در مقابل آن اراضی جدید این اراضی بکلی لم یزرع گردیده است . صحیح است که در طی سالهای متعددی مقدار زیادی نقره به هندوستان وارد شده ولی تمام آنها بگیسه حکمداران و شاهزادگان ایالات تابعه انگلستان رفته و مازاد تجمل دوستی و عیاشی و هوسرانی این عده محدود را رواج نموده است بگهر از علماء اقتصاد انگلیسی باحسابات دقیقی معین نموده است که قیمت مقدار مال التجاره ای که هر ساله از هندوستان خارج میشود و در مقابل آن نیول و نه متاع هندوستان می رود هر سال از ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار تجاوز مینماید .

این حقیقت صحت دارد که با تصیم اصول صنعتی عصر حاضر در هندوستان از زحمت کارگر کم شده ولی در مقابل رواج این اصول و در نتیجه حکمداری بریتانیا مصنوعات بومی هندوستان بکلی راه زوال و انحطاط را پیموده است . راه آهنهای هندوستان که برای امور تجارنی و نشونی برطایا آنقدر مفید واقع شده برای هندوستان بمنزله روزنه بزرگی بوده است که هستی و سرمایه ملی از آن بخارج جاری گردید . گپانی راه آهن ضررهای خود را سال بسال با استعانت وضع مالیاتهای جدید تلمین نموده است . شدید ترین فسطیحاتی که مانند بلا و صاعقه آسمانی جامعه هندوستان را بطرف بدبختی و مرگ و بینوائی سوق داده بعد از تاسیس این راه آهنها وقوع یافته است در صورتیکه قبلا انتظار میرفت راه آهن از فسط و قلا جلوگیری کند . پروفسور دوت میکریک در سال ۱۸۹۲ و ۱۸۹۸ برای هندوستان از سالهای خیلی بدی بوده

که فقط و غلا در تمام نقاط آن مملکت شدت داشته و باعث ائتلاف ملیون ها
مخوس گردیده است .

باوجود این مالیات اراضی بدون هیچگونه تغییر و تقلیلی از طرف
مادورین سخت و خشن حکومتی در این دو سال جمع آوری میشد . مقدار
مالیاتهای ارضی در این دو سال ۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار بالغ بوده و ما فین
و زارعین برای پرداخت این مبلغ مجبور بودند قوت بویسه خود را که
مجموع آن ۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار قیمت داشته بفروش رسانند .

بکنه انکلیسی دیگر میگوید : بعد از این همه مساعدهتهای اقتصادی
از طرف انگلستان نسبت به هندوستان تجارب عمیقہ من بمن ثابت میگردد که
فقر و بیچارگی روز بروز بر استیلاء خود در سر زمین هندوستان می
فزاید . بکنه مسافر محراب امریکائی مینویسد : اوضاع اجتماعی ملت
هندوستان هر بیننده ای را در يك عالم تار و اندره وصف با پذیری کاز
باس نسبت بیهودی این با وضیعت فعلی بوجود میاید داخل میکند . کسی
نمیتواند در این سر زمین وسیع در ذهنی خنده مسرت و خوشحالی ببیند حتی
کوچکترین تپسی که علامت امید و صلی قلب است بر لب هیچیک از افراد
این ملت ستمدیده نقش نمی بندد . آیا وقت نیست که از انگلستان برای
عملیات جابراه ای که در هندوستان مرتکب شده و برای قصوری که در موارد
مخصوص نبوده معاقب گردد ؟

میگویند که انگلستان وحدت و اتفاق هندوستان داده است بر عکس
انگلستان بوسیله ارفنداری باطنی و غیر مستقیم از اختلافات طبقاتی و باستانات
هتصد شاهزاده در ۷۰۰ ایالت (منقل) که همه دست نشانده دولت انگلیس
و بالتبع مامور حفظ منافع انگلیس میباشد و بریتانیا بدستکاری آنها می تواند
تعدد خود را اجراء کند از اتحاد و اتفاق هندوستان جلوگیری نموده است
و ابورت بیون طوری تنظیم شده و پیشنهادات مندرجه در آن طوری
تدوین گردیده که احساس تعاق و انفصال بیشتر از پیش مستحکم گردیده و
هر ایالتی تقریباً منفصل و مجزا میشود بطور نهانی و معنوی از تپسه این
رابورت اجرای همان اصل و تجزیه کن و حکمداری نما و میباشد هندوستان
داری دوپست زبان با ببارة اخری ۲۰۰ لوجه مخالف است در روسیه نیز